

مقاله پژوهشی

دوراهی حفاظت یا تغییر؟

در جستجوی راهکاری برای مانایی منظر مردمی در بافت تاریخی شهرهای سمنان و دامغان*

حمیده ابرقویی فرد^{۱*}، پدram صدفی کهنه شهری^۲، مهدی نصیریان^۳، بهاره امینی^۴، مارال احمدی^۵، سجاد اکبر پور بازرگانی^۶

۱. پژوهشگر دکتری، گروه معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده هنر، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
۴. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۵. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
۶. دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰ تاریخ قرارگیری روی سایت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

چکیده | منظر مردمی در اثر زیست جمعی و تعامل مشترک مردم با یکدیگر و محیط ایجاد می‌شود. بافت تاریخی شهرها، روایان هویت و تداعی‌گر گذشته شهر هستند و حفظ منظر مردمی آنها اهمیت دوچندان دارد. اتخاذ رویکرد مناسب در رابطه با منظر مردمی بافت تاریخی شهرها، مشروط به برقراری تعادل میان حفظ آثار ارزشمند گذشته در محیط و همگام‌بودن ابعاد مختلف کالبدی، معنایی و عملکردی آن با نیازهای شهروندان و جامعه شهری معاصر است. حفظ منظر مردمی بافت تاریخی شهرهایی نظیر سمنان و دامغان با چالش‌هایی مواجه است؛ مدیریت شهری در مواردی به سوی رویکردی حفاظتی و نمایشی با اولویت‌بخشی به کالبد محیط حرکت کرده و در مواردی دیگر برای تخصیص فضا به جامعه معاصر، به تجهیز کالبدی و عملکردی بدون شناخت کافی نسبت به معنای فضا، زمینه و نیازهای مخاطبین مبادرت می‌ورزد. هدف از این نوشتار بررسی ابعاد مختلف مفهوم منظر مردمی و چگونگی تحول مناظر مردمی مربوط به گذشته در بافت تاریخی شهرهای سمنان و دامغان به گونه‌ای است که با در نظرگیری تأثیر عوامل مختلف، امکان اتخاذ رویکردی مناسب برای تداوم منظر مردمی گذشته در متن زندگی امروز شهرها فراهم شود. منظر مردمی پدیده کلی و هم‌افزا از عملکرد، کالبد و معنا مطرح است که توجه به نقش کلیدی مردم برای استمرار آن در طول زمان ضرورت دارد. رویکرد یک‌جانبه و متمرکز بر بهسازی محیط و بدون ملاحظه ابعاد اجتماعی و فرهنگی، عدم ثبات ترکیب اجتماعی، کاهش تعهد و مشارکت مردمی و افول منظر مردمی را به همراه دارد. لزوم توجه به پیش‌شرط‌های اساسی چون اعتباربخشی به قابلیت‌ها، معنای ذاتی و جوهره اختصاصی هر فضا، نیازهای جامعه معاصر، عوامل پشتیبانی‌کننده حضور افراد و نقش کلیدی مردم، تحقق منظر مردمی را به عنوان محصول تجربه پویای محیط توسط جامعه و دارایی جمعی با مالکیت گسترده ممکن می‌سازد که اشکالی از حفاظت فعال و مدیریت جمعی از طریق بازسازی رابطه با مکان‌ها، تأثیر مثبتی بر تداوم آن می‌گذارد. طرح‌ریزی فرایندی کل‌نگر، یکپارچه و چندوجهی برای افزایش دلبستگی شهروندان به مکان و رعایت تعادل در محافظت و مداخله در منظر نیز، به تداوم مناظر مردمی و به‌روزرسانی مداوم ارتباط و تفسیر کاربران از منظر کمک خواهد کرد.

واژگان کلیدی | منظر مردمی، بافت تاریخی، هویت، مدیریت شهری، سمنان، دامغان.

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی «گردشگری منظر بومی سمنان و دامغان» است که در سال ۱۴۰۱ در پژوهشکده نظر و به سرپرستی دکتر سید امیر منصوری انجام شده است.
** نویسنده مسئول: hamide.abarghouyi@gmail.com، ۰۹۱۲۶۹۹۸۲۲۳

حفظ فضاهای تاریخی به‌جامانده از گذشته، به‌سوی رویکردی حفاظتی و نمایشی با اولویت‌بخشی به محیط حرکت کرده و در مواردی دیگر برای تخصیص فضا به جامعه معاصر با رویکرد تجهیز کالبدی و عملکردی بدون شناخت کافی نسبت به معنا و زمینه فضا و نیازهای مخاطبین دست به اقدام می‌زند. این نوشتار با بررسی ابعاد مختلف مفهوم منظر مردمی و چگونگی تحول مناظر مردمی مربوط به گذشته در بافت تاریخی شهرهای سمنان و دامغان در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که چگونه می‌توان با اتخاذ رویکردی مناسب در قبال فضاهای تاریخی شهرها، به حفظ و استمرار منظر مردمی آنها کمک کرد؟

مبانی نظری

• اجزا سازنده منظر مردمی

منظر حاصل سنتز دو بعد عینیت و ذهنیت است که کلیت مفهومی یکپارچه و غیرقابل تفکیکی را پدید می‌آورد و فهم آن از طریق نگرش توأمان و کل‌نگر ممکن است (همتی، منصورى و براتی، ۱۴۰۱، ۶۹). بررسی منظر به‌عنوان پدیده‌ای کل‌نگر تقسیم‌بندی‌های غیرضروری همچون ادراک‌شده، کالبدی و... را شامل نمی‌شود. با این حال چنین تقسیم‌بندی‌هایی را می‌توان به‌عنوان ابزاری تحلیلی در هر نمونه خاص استفاده کرد (Lindström, Palang & Kull, 2013, 104). مناظر مردمی به‌عنوان محصول تعامل مشترک مردم با محیط، براساس دو مؤلفه اصلی مردم و محیط قابل بررسی هستند.

- مردم

انسان نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری مفهوم منظر دارد. معنای تحت‌اللفظی آن به‌عنوان زمین ساخته‌شده، مرزبندی‌شده و تجسم‌شده توسط انسان نیز متکی بر نقش سوژه انسانی است. وجود معنا در منظر به‌عنوان «زمینه‌ای از روابط بالقوه»، در نتیجه نقش تعیین‌کننده انسان شکل می‌گیرد (Delue, 2015, 272-273). در عین حال منظر محصول نگرش یک فرد نیست، بلکه حاصل جمع نگرش‌های افراد جامعه است که در قالب ساختارهای اجتماعی، تجارب جمعی بشر و تعامل مردم با دنیای مادی در چارچوب یک موقعیت اجتماعی پا به میان می‌گذارد. به‌گونه‌ای که عناصر منظر نیز مفاهیم جمعی متمایز و معانی مختلفی برای افراد دارند (Hunziker, Felber, Gehring, Buchecker, Bauer & Kienast, 2008, 140; Cosgrove, 1992, 85; Swafeld, 2006, 23). مناظر فرهنگی به‌ویژه در نتیجه بازساماندهی پی در پی محیط شکل می‌گیرند تا کاربری و ساختار فضایی، به شکلی مناسب‌تر با خواسته‌های جامعه تغییر یابند (Antrop, 2005, 21). از این رو جوامع انسانی، عملیاتی اصلی در شکل‌گیری مفهوم منظر مردمی شهرها محسوب می‌شوند که ضمن پاسخ‌گویی به نیازهایشان با تغییر و دخل

مقدمه | منظر به‌عنوان مفهومی میان‌رشته‌ای، شناختی متفاوت از مفاهیم فضا و محیط و چگونگی بنای جهان و تجربه آن را به همراه دارد و امکان اتخاذ زاویه دید جدید به ارتباط انسان و محیط را به‌مثابه یک کلیت میسر می‌سازد. «منظر تجلی حسی و نمادین محیط و فضای عمل و وجود داشتن جامعه است و روابط معنایی را ایجاد می‌کند که به‌طور مداوم بین جوامع و محیط فیزیکی آنها برقرار شده و مورد مذاکره مجدد قرار می‌گیرد» (Berque, 2013). به‌گونه‌ای که با کم‌رنگ‌شدن اثرگذاری جوامع انسانی بر محیط، منظر از معنای تعاملی، پویا و اجتماعی خود فاصله گرفته و به کالبدی صرف تنزل خواهد یافت. شهرها عالی‌ترین نمود و عینی‌ترین محصول مدنیت انسان‌ها هستند؛ زیرا به‌واسطه وجود شهرها گروه‌هایی از مردم گرد هم آمده و با یکدیگر تعامل دارند و منظر مردمی یک شهر را تشکیل می‌دهند (منصورى، ۱۳۹۷). منظر مردمی در اثر زیست‌جمعی و تعامل مشترک مردم با یکدیگر و محیط ایجاد گشته و استمرار آن در طول زمان در گرو حفظ ارتباط با جامعه به‌عنوان عاملیتی کلیدی است که با حضور، تجربه، معنابخشی و مداخلات تدریجی در محیط به آن موجودیت می‌بخشند. بافت و اماکن تاریخی ارزشمند، روابان هویت و تداعی‌گر گذشته شهرها هستند که حفظ منظر مردمی آنها از اهمیتی دوچندان برخوردار است. زیرا کم‌رنگ‌شدن حضور مردم، مصادف با خارج‌شدن این بخش ارزشمند از حیات اجتماعی شهر و تضعیف ابعاد هویتی آنهاست.

از یک‌سو در بافت تاریخی شهرها حفظ ابعاد محیطی منظر به‌عنوان یادگاری از گذشته و واقعیت فرهنگی مربوط به سوژه انسانی ضرورت دارد؛ منظر از سوی فرهنگ‌گرایان به‌عنوان رسانه فرهنگی (Malpas, 2011, 7)، ایدئولوژی بصری (Cosgrove, 1984, 47) و اتوبیوگرافی غیرعمدی انسان‌ها (Lewis, 1979, 1) شناخته‌شده و در نتیجه حفظ برخی از ویژگی‌های محیطی ارزشمند از جمله کالبد در این نواحی ضرورت می‌یابد. از سوی دیگر حضور مستمر و سازنده جوامع انسانی، ضامن تداوم منظر مردمی در بافت تاریخی به‌شمار می‌آید؛ منظر از سوی تجربه‌گرایان با اولویت‌بخشی به ابعاد انسانی، دارای ماهیتی پویا (Schatzki, 2011, 65)، همواره در حال تغییر، ساخته‌شده و دخیل در تدوین مداوم زندگی اجتماعی (Schein, 1997, 662; Tilley, 2006, 7) مورد توجه قرار گرفته است. این مسئله شناخت و اتخاذ رویکرد مناسب برخورد با منظر مردمی بافت تاریخی شهرها را دشوار ساخته و نوعی دوراهی میان ضرورت حفظ آثار ارزشمند گذشته در محیط و همگام‌بودن ابعاد مختلف کالبدی، معنایی و عملکردی با نیازهای جامعه شهری امروز ایجاد می‌کند. بر این اساس تداوم منظر مردمی در بافت تاریخی شهرهایی نظیر سمنان و دامغان با چالش‌هایی مواجه است؛ مدیریت شهری در مواردی برای

رابطه‌ای پویا و مرکب از دوقطبی متناقض اما مکمل تداوم و تغییر است. در حوزه شهر نیز مفهوم هویت به تداوم تاریخی شهر و محیط مطابق با تغییرات و نیازهای جدید اشاره دارد. مؤلفه‌های سازنده هویت شهر به‌عنوان مفهومی نسبی شامل همه زمین‌های وجودی آن از جمله کالبد، فعالیت و معانی فرهنگی و اجتماعی است که از یک‌سو به انسان و از سوی دیگری به محیط برمی‌گردد» (تیموری، ۱۳۹۳، ۴۵). تضاد در پویایی و استقرار و محتوای شکلی و ذهنی از عوامل اصلی شکل‌گیری هویت و تداوم آن در منظر شهر محسوب می‌شود. این تداوم به معنای زندگی در شهرهای امروز با پشتوانه دیروز و همراه‌ساختن حیات مدنی امروز شهر با تداوم تاریخی گذشته در کالبد آن است (آتشین‌بار، ۱۳۸۸، ۴۷). در شکل‌گیری مفهوم مکان و منظر مردمی به‌عنوان نوعی مکان هویت‌مند، حضور، تجربه، تصور و مداخله انسانی براساس چهار مؤلفه موقعیت، معنا، ذهنیات و کالبد مورد توجه قرار دارد (Tuan, 1977). معنای مکان ریشه در کالبد، اُبژه‌ها و فعالیت‌ها دارد اما به همان میزان وابسته به مقاصد و تجربیات انسانی است. این سه مؤلفه در رابطه‌ای دیالکتیکی و متداخل، یک ساختار مشترک را شکل می‌دهند (Relf, 1976, 47). دل‌بستگی به مکان نیز در ارتباط با سه مؤلفه مورد توجه قرار دارد؛ شخص اعم از فرد یا گروه فرهنگی، مکان متشکل از ابعاد فیزیکی و اجتماعی و فرایند شامل رفتار، شناخت و احساسات به مکان (Scannell & Gifford, 2010, 3). بر این اساس ارزیابی تحول مناظر مردمی در مراتب مختلف حیات انسان، بر مبنای میزان اولویت‌بخشی به دو مؤلفه مهم محیط و انسان صورت پذیرفته و بررسی شکل‌گیری مفهوم مکان و منظر، بایستی مبتنی بر میزان توجه هم‌زمان به معیارهای کالبد، عملکرد و معانی باشد که از طریق رفتارها، احساسات و شناخت انسان نسبت به محیط قابل دریافت است (تصویر ۱).

معرفی نمونه‌موردی

شهر سمنان با بیش از ۳۵۰ هکتار بافت تاریخی، یکی از شهرهای غنی از نظر وجود بناهای تاریخی و بافت باارزش در کشور است که بناهای تاریخی متعددی از دوره ایلخانی تا قاجار در آن دیده می‌شود (حسن‌آبادی، ۱۴۰۰). شهر دامغان در فاصله ۱۱۵ کیلومتری سمنان نیز، با وجود با وجود ابنیه ارزشمند تاریخی از اهمیت خاصی در میان شهرهای تاریخی ایرانی برخوردار است. امروزه شاهد تمرکز مدیریت شهری برای حفاظت، احیاء، بهره‌برداری و توسعه گردشگری در بافت تاریخی این شهرها هستیم. با این حال مداخلات محیطی برنامه‌ریزی‌نشده و تغییر جامعه مخاطبین، تداوم منظر مردمی بافت تاریخی به‌عنوان یک کلیت انسانی-محیطی یکپارچه را با مشکل مواجه می‌سازند. در ادامه به بررسی

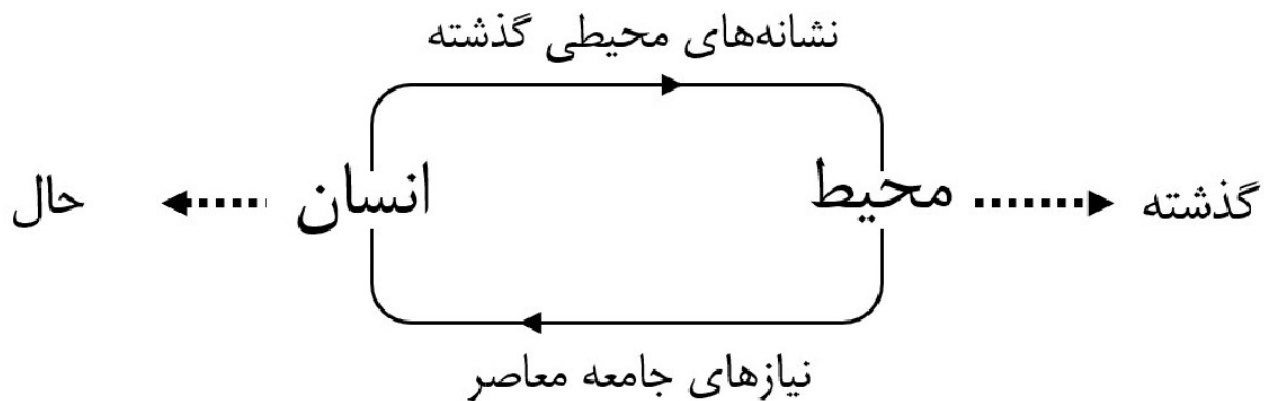
و تصرف در محیط کالبدی براساس نظام ارزشی خود، آن را به منظری مرتبط با شیوه زیست جمعی‌شان مبدل می‌سازند.

- محیط

برخی از اندیشمندان منظر مادی را عرصه‌ای می‌بیند که انسان‌ها در آن وجود خود را، با شکل‌دادن به اشیاء فیزیکی در محیط از طریق پراکسیس سکونت نشان می‌دهند (Olwig, 2003, 874). بر این اساس منظر تصویر فرهنگی و روشی تصویری برای بازنمایی محیط و ماتریس انتقال ایدئولوژی‌ها شناخته می‌شود (Harris, 2010, 191; Daniels & Cosgrove, 1988, 1). ویژگی‌های ارزشمند محیطی در بافت تاریخی شهرها از جمله عاملیت‌های مهمی هستند که در شکل‌گیری مناظر مردمی نقش دارند و نشانگر هویت و نحوه زیست گذشتگان هستند. با این حال یک نگرانی غالب قطع ارتباط با روابط اجتماعی تولید زمین مادی، در نتیجه برخورد نمادین با منظر به‌عنوان تصویر، متن یا تئاتر است. موضوع پراهمیت حفظ حس منظر، به‌عنوان یک ماده جغرافیایی دربردارنده انسان و محیط مادی است بدون آنکه به ساخت اجتماعی صرف تقلیل یابد (Cosgrove, 2010, 34). حفظ ویژگی‌های خاطره‌ای و طبیعی در قالب میراث، در نقطه مقابل نوستالژی ترمیمی قرار دارد... ملت‌ها منابع قابل توجهی را صرف حفظ نه‌تنها مورفولوژی فیزیکی بلکه بیان اجتماعی مناظر برجسته می‌کنند (Cosgrove, 2006, 57). با اولویت‌بخشی به محیط، منظر مردمی به‌مثابه رسانه‌ای فرهنگی، انعکاسی از شیوه زیست و تعامل گروه‌های مردم با محیط به‌شمار می‌آید که فراتر از جلوه‌های بصری و کالبدی نمادین، انتقال و تداوم تجربیات گروه‌های فرهنگی را برعهده دارد.

• دوراهی اولویت‌بخشی به مردم یا محیط در بافت و اماکن تاریخی

اماکن و بافت تاریخی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین جلوه‌گاه‌های منظر مردمی و نوعی ساختار ارتباطی با ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی میان گذشته و امروز مطرح هستند که جوامع محلی از طریق زیست مشترک و جمعی خود در فضا به آنها موجودیت بخشیده‌اند و از این رو حاملان هویت شهر و دارایی مشترک جوامع امروزی به‌شمار می‌آیند. نحوه برخورد با مناظر مردمی برجامانده از گذشته در روند توسعه شهرها باید به گونه‌ای باشد که مناظر ضمن حفظ نشانه‌های تاریخی و قابلیت‌های اجتماعی، از امکانات معاصر برخوردار شده و در متن زندگی شهری قرار گیرند. تا همان‌طور که دو وجه انسانی و محیطی منظر، در فرایند شکل‌گیری آنها دخیل بوده‌اند؛ در روند حفاظت و توسعه و به‌روزرسانی‌شان نیز مورد توجه باشند. هویت مکان یکسان بودن متداومی است که باعث شناسایی آن از سایر مکان‌ها شده و هم‌زمان در فرد، اُبژه مورد بحث و فرهنگی که به آن تعلق دارد یافت می‌شود (Relf, 1976, 46). «هویت به‌عنوان مفهومی مرتبط با ساحت وجودی پدیده‌ها،



تصویر ۱. ابعاد مفهومی و وجوه سازنده منظر مردمی. مأخذ: نگارندگان.

به‌عنوان واحدهای فضایی-اجتماعی مستقل، چنین مداخلاتی معنای اجتماعی و مردمی محلات را به مرور زمان تحت تأثیر قرار داده است. در حالی که محله با توجه به امکان مشارکت اجتماعی، مقیاس مناسب مداخله و امکان برنامه‌ریزی بهتر، زمینه مناسبی برای نوسازی محسوب می‌شود (تیموری، ۱۳۸۹، ۳۰). با مختل شدن دسترسی سلسله‌مراتبی از محلات به مرکز شهر در نتیجه خیابان‌کشی‌ها، از میزان حضور شهروندان در گذرهای تاریخی کاسته است. ضمن آن‌که عملکردهای جدید و متناسب با نیازهای جامعه معاصر، در مجاورت خیابان‌های اصلی تمرکز یافته‌اند و به تدریج میزان مراجعه به بازار و مراکز محلات به‌عنوان نقاط کانونی حیات اجتماعی کاسته شده است (تصویر ۲).

تحولات جمعیتی و تحول کلان مؤلفه انسانی

تحولات جمعیتی اگرچه همچون مداخله کالبدی خیابان‌کشی‌ها، ساختار بافت تاریخی را به یک‌باره برهم زده است؛ اما تبعات

سیر تحول منظر مردمی و ارزیابی اقدامات مدیریت شهری در خصوص منظر مردمی دو شهر مذکور می‌پردازیم.

خیابان‌کشی؛ اولین مداخله کالبدی و تحول محیطی

خیابان‌های نفوذی یکی از مهم‌ترین اقدامات مدرنیستی در تحول منظر شهرها محسوب می‌شوند که اغلب با هدف توسعه شهری، حمل‌ونقل و اتصال نقاط مهم در شهرها احداث شده‌اند. در دوره پهلوی اول خیابان‌کشی در همه شهرهای مطرح ایرانی از جمله سمنان و دامغان مورد استفاده قرار گرفت. در بخش مرکزی شهرهای سمنان و دامغان، خیابان‌کشی‌های مدرن بدون توجه به موجودیت درهم‌تنیده محلات، بافت شهر را از هم گسسته و وحدت معنایی و عملکردی بافت تاریخی و بازار و سازمان محله‌محور شهر را برهم زدند. به گونه‌ای که تا پیش از ایجاد خیابان‌ها در شهر دامغان، محلات شهری قابل تفکیک بوده و بازتابی از وحدت کاربردی و مدنی شهر بودند (فلامکی، ۱۳۶۸، ۲۵۳). با توجه به شناخته‌شدن محلات



تصویر ۲. گسستگی بافت تاریخی سمنان و استقرار عملکردهای اصلی در مجاورت خیابان‌کشی‌های مدرن. مأخذ: www.atlantik.ir

شده است. به گونه‌ای که مجموعه‌های تجاری ساخته شده در مناطق جدید شهر، به عنوان رقیب اقتصادی بازار عمل کرده و با کمتر شدن جریان سرمایه در بازار زمینه افول کالبدی و عملکردی آن فراهم شده است (تصویر ۳). شهروندان نیز به دلیل تحول شیوه زیست و فراغت، انتخاب‌های متعدد و مقاصد جذابی برای حضور در بازار ندارند. بر این اساس بازار با تغییر ساختار شهر و نیازهای شهروندان، از سیر توسعه جدا مانده است و با فروکاست سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شاهد کاهش مقبولیت بازارهای تاریخی سمنان و دامغان به عنوان یک منظر مردمی موفق در گذشته هستیم.

نوسازی محیط با رویکرد صرفاً کالبدی

مناظر مردمی در شهرهای تاریخی ایران، به شکل خودجوش و تدریجی و به واسطه حضور مردم شخصیت یافته و بنابر مناسبات و قابلیت‌های عملکردی و معنایی فضا شکل گرفته‌اند (برقویی فرد و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۴). با این وجود برخی از اقدامات صورت گرفته در راستای نوسازی بافت تاریخی، تنها به شکل‌گیری کالبدی با کیفیت و قابل استفاده ختم شده است. سرای نقش جهان در



تصویر ۳. افول منظر مردمی بازار سمنان در نتیجه تضعیف نقش عملکردی و اقتصادی آن. عکس: هدیه محمدی، ۱۴۰۱.

خروج ساکنین قدیمی از بافت، فروکاست حس تعلق و سرمایه‌های اجتماعی را به مثابه عارضه‌ای مزمن اما فراگیر به همراه داشته و منظر مردمی بافت به عنوان یک کلیت کالبدی-اجتماعی تحت تأثیر قرار گرفته است. تحول استراتژی‌های سکونت، اغلب ظهور یک طبقه اجتماعی جدید با شاخصه‌های اقتصادی و فرهنگی متفاوت را همراه دارد. در شهرهای سمنان و دامغان فرسوده ماندن و عدم برخورداری بافت تاریخی از تسهیلات زندگی مدرن و تمرکز سرمایه و امکانات در مناطق جدیدتر شهر، منجر به مهاجرت تدریجی ساکنین قدیمی از مرکز شهر و جایگزینی مهاجرین و اقشار کم‌درآمد شده است. برخی کاستی‌های زیرساختی در محدوده تاریخی سمنان سبب شده است به مرور زمان شاهد خارج شدن بومیان از بافت باشیم (جهان‌آرای، ۱۴۰۰). ساکنین جدید با عدم برخورداری از پایگاه اقتصادی مناسب و حس تعلق به بافت تاریخی، نقش و حضور فعالی در رویدادهای روزمره ندارند و در نتیجه عدم تفاهم متقابل ایشان در برابر مشکلات مشترک، نیروی اجتماعی و مردمی رو به افول نهاده است. بسیاری از اقدامات بر بهسازی و زیباسازی محیط متمرکز بوده و راهکاری سازنده و کل‌نگر، برای تقویت و ثبات سرمایه‌های اجتماعی صورت نگرفته است. «رویکرد مدرنیستی به نوسازی با نگرش کالبدی و عدم ملاحظه هویت محلی و ابعاد اجتماعی و فرهنگی چرخه نادرستی را به وجود می‌آورد که در آن عدم ثبات ترکیب اجتماعی و کاهش زمان سکونت منجر به عدم تعهد، مشارکت و مسئولیت می‌شود» (تیموری، ۱۳۹۳، ۴۷).

افول منظر مردمی بازار در نتیجه تضعیف عملکردها

بازار ستون فقرات شهر ایرانی و زیربنای توسعه اجتماعی-اقتصادی آن بوده و به دلیل همجواری با ابنیه عمومی از شأنی اجتماعی برخوردار است. به گونه‌ای که در توصیف سفرنامه‌نویسان از شهرهای ایرانی به عنوان قلب شهر و هم‌زمان محل کسب و تجارت، گردشگاه، وعده‌گاه و محل ملاقات مردم معرفی شده است (برقویی فرد و منصور، ۱۴۰۰، ۲۲). بنابر ویژگی‌هایی چون قرارگیری در امتداد یا محل تلاقی راه‌های اصلی، امکان دسترسی سلسله‌مراتبی از همه محلات، وجود عملکردهای متنوع اقتصادی و امکان حضور افراد مختلف برای پاسخ‌دهی به نیازهایشان، بازار یکی از مصادیق اصلی منظر مردمی در شهرهای ایرانی است. در توصیف شهرهای دامغان و سمنان، به وجه مردمی و اجتماعی بازار و بناهای عمومی اطراف آن اشاره شده است (موسوی، ۱۳۸۶، ۱۶۴؛ کرزن، ۱۳۴۹، ۳۸۶). تحولاتی چون مخدوش شدن ساختار ارگانیک و دسترسی‌پذیری بازار، مکان‌یابی عملکردهای جدید شهری در مجاورت خیابان‌ها، عدم پوشش‌دهی نیازهای متنوع مردم و به‌روزر نبودن فعالیت‌های اقتصادی، به مهاجور گشتن بازارهای تاریخی سمنان و دامغان از زندگی اجتماعی شهر منجر

مردم به حضور در فضا از اهداف اصلی مجریان بوده است اما محصول نهایی با اهداف مذکور سازگار نیست. مدیریت شهری علی‌رغم واقف‌بودن به ارزش میراثی بافت، در پرداختن به آن به صورتی موضعی، جزء‌نگر، شکلی و نمایشی عمل کرده است.

رویکرد کالبدی در پرداختن به معنای منظر مردمی

گروه‌های فرهنگی برای مدیریت محیط طبیعی و تأمین نیازهای خود، بر عناصر طبیعی ارزش‌گذاری کرده و آنها را به نمادهای فرهنگی مبدل می‌سازند (ابرقویی فرد و صابونچی، ۱۳۹۹، ۲۹؛ صابونچی و ابرقویی فرد، ۱۳۹۹، ۲۱). آب یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعی با ارزش فرهنگی در فلات مرکزی ایران است که شکل‌گیری مناظر مردمی با کارکرد فراغتی و تفریحی را تحت تأثیر قرار داده است. پیوند دوجانبه شهر و زیرساخت آبی در سمنان، از نظام محله‌ای پیروی کرده و فراتر از ساختاری فیزیکی، به صورتی چندوجهی با ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر پیوند می‌خورد (آل‌هاشمی، ۱۳۹۸، ۵). استخر باغ‌فیض یکی از مصادیق برجامانده از سیستم آبی منحصربه‌فرد شهر سمنان است که اقدامات متعددی برای محوطه‌سازی و بدنه‌سازی آن صورت گرفته است (حبیبی بسطامی، ۱۳۹۸). طرح ساماندهی استخر باغ‌فیض، بیشتر بر جنبه‌های بصری و کالبدی نظیر اضافه‌کردن میلمان، کفسازی و پوشش گیاهی نامناسب متکی بوده و کیفیت فضایی و آسایش محیطی مطلوبی ایجاد نکرده است. در نظر نگرفتن محرک‌ها، عملکردها و مقاصد متعدد و جذاب نیز به این مسئله دامن زده است. در طرح ساماندهی استخر باغ‌فیض برای تعامل معنادار و پیوسته مردم با فضا، به فراهم‌آوری زمینه تداوم ارزش چندوجهی عنصر آب به‌عنوان جوهره اصلی فضا توجه نشده است. در نتیجه عدم امکان دسترسی مستقیم به آب و محصورشدن استخر، آب از عاملی مؤثر بر شکل‌گیری ساختار کلی شهر سمنان به‌عنوان یک زیستگاه اجتماعی پایدار، به عنصری نمایشی تنزل یافته و

بازار تاریخی سمنان یک بنای ارزشمند تاریخی مرمت‌شده است که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است (بندری، ۱۳۹۹). سراها بنا بر قابلیت‌هایی چون مکان‌یابی مناسب، گشایش فضایی حیاط سرا و عملکرد اقتصادی، بر رونق مناظر مردمی بافت تاریخی تأثیر داشته‌اند؛ اما با مشاهده فضای خالی از جمعیت فضای سرا به نظر می‌رسد اقدامات صورت‌گرفته از موفقیت کافی برخوردار نبوده‌اند. در مداخلات کالبدی با هدف زیباسازی فضا، جنبه‌های صرفاً شکلی از کمال اقدامات برای ایجاد زیبایی و ابسته به ذهنیت ناظر می‌کاهد (منصوری، ۱۳۹۵، ۶۷). عناصر کمی و کالبدی تنها پس از شناخت نقش آنها در تولید منظر به‌مثابه وجود عینی-ذهنی واحد، قابلیت کاربست و برنامه‌پذیری پیدا می‌کنند (منصوری، ۱۳۸۹، ۶-۷). تحمیل ساختار صرفاً کالبدی و نبود پیش‌شرط‌های اساسی چون عملکردهای متنوع و هم‌گام با نیازهای جامعه، محرک‌های محیطی، فعالیت‌ها و رویدادهای جمعی و فرصت‌هایی برای مشارکت مردم، مانعی در برابر موفقیت منظر مردمی سرای نقش جهان است. پرداختن به کالبد فضا تصنعی، صورت‌گرا و شامل نوعی تکه‌چسبانی عناصر تاریخی معماری ایرانی مثل حوض، آجرچینی و طاق با مصالحی ناهمگون بوده و یک ترکیب هم‌افزا را رقم زده است (تصویر ۴). تحول عملکرد سرا از یک فضای صنفی تخصصی به کاربری‌های خدماتی چون رستوران و نمایشگاه، نوعی بی‌توجهی به ظرفیت‌های اختصاصی فضاست و کمرنگ‌شدن منظر مردمی بازار به‌عنوان عامل پشتیبانی‌کننده، احیاء منظر مردمی سرا را دشوارتر می‌سازد. مصادیق دیگری نیز از عدم وحدت میان رویه‌های مدیریتی و ارزش‌های چندگانه مناظر مردمی بافت تاریخی در شهرهای سمنان و دامغان به چشم می‌خورد. تخریب بافت تاریخی به دلیل فرسودگی و جایگزینی کاربری‌های خدماتی نظیر پارکینگ و سرویس بهداشتی و حفظ تک بناهای تاریخی مجاور آنها از جمله این موارد است (تصویر ۵). اگرچه تسهیل دسترسی، ایجاد جذابیت، ارزش‌بخشی به بنای تاریخی و ترغیب



تصویر ۵. رویکرد موزه‌ای در حفظ بقعه پیر علمدار و حذف و تخریب بافت اطراف آن در محله خوریاب دامغان. مأخذ: پدram صدفی کهنه، ۱۴۰۱.



تصویر ۴. اقدامات صرفاً کالبدی در نوسازی سرای نقش جهان سمنان. عکس: شقایق گلشاهی، ۱۴۰۱.

است. آب آن از چشمه‌های متعدد کف زمین و کوه‌های شمالی تأمین شده و در کنار آن درختان چناری با قدمت تقریبی هزار سال وجود دارد. نقش معنایی عنصر آب در شکل‌گیری چشمه‌علی، در باورهای اساطیری پیرامون نام‌گذاری آن و اشاره سیاحان به قداست چشمه در روایات مردم محلی قابل دریافت است (ن.ک. میرشکرایی، ۱۳۸۲ و حقیقت، ۱۳۶۲). کشف آثار باستانی متعدد با تصاویری از الهه‌های باستان جهت استعانت از نیروهای ماورایی برای حفاظت از منابع آب چشمه‌علی (غضنفری و کریمی، ۱۳۹۵) مهر تأییدی بر اهمیت تاریخی قداست آب در شکل‌گیری منظر آن است که در طول زمان با برگزاری آیین‌هایی چون قربانی کردن و دخیل‌بستن به چنار هزارساله در پای چشمه حفظ شده است. چشمه‌علی دامغان، دارای هویت و معنایی ذاتاً مردمی است. تداوم برگزاری آیین‌های مرتبط با عناصر طبیعی، به فضا اعتباری ذاتی بخشیده و آن را به بستری مناسب برای انجام آیین‌ها و تفریح و تفرج مبدل ساخته است. اگرچه همنشینی آب، درختان و عمارت، زیرساختی آشنا برای تعامل انسان ایرانی با محیط است؛ اما چیزی فراتر از ترکیب عناصر طبیعی و مصنوع، موجب تداوم حضور مردم در چشمه‌علی شده است. استمرار معنا و ارزش ذاتی در طول زمان، مانعی در برابر اثرگذاری منفی مداخلات کالبدی نادرست نظیر تغییر مرز طبیعی آب، حصارکشی پیرامون محوطه، کفسازی بی‌کیفیت و نامتناسب و... است. بر این اساس یکی از عوامل مانایی مناظر مردمی، حفظ معانی و باورهای مشترکی است که در چشمه‌علی دامغان به صورت تقدس و ارزش افزوده عنصر آب در شکل‌گیری آیین‌ها و تعامل مشترک و مستمر مردم با محیط تجلی می‌یابد (تصویر ۸).

استمرار منظر مردمی مناسبتی تکایا و حسینیه‌ها

عملکرد، تجربه و ادراک انسان به موقعیت‌های واقع در محیط، معنای فرهنگی و اجتماعی می‌بخشد. منظر مردمی با مفاهیم هویت‌بخشی همچون فرهنگ و آیین عجین شده که در موقعیت‌های مکانی خاص، جلوه‌های عینی و ذهنی ویژه و تأثیر مهمی بر جنبه‌های خاطرهای و اجتماعی زندگی شهری دارند. از جمله این موارد می‌توان به اماکنی چون مساجد، تکایا و حسینیه‌ها اشاره کرد که با برگزاری مراسم‌های دینی و آیینی، عامل همبستگی و وحدت مردم شده‌اند (مخلص، فرزین و جوادی، ۱۳۹۱؛ ابرقویی فرد، صابونچی و فرزین، ۱۳۹۷، ۵؛ ابرقویی فرد، ۱۳۹۹، ۴۵ و ۴۶؛ خرم‌روی، ماهان و فرزین، ۱۳۹۸، ۵۱؛ خرم‌روی و ماهان، ۱۴۰۰، ۱۳؛ خرم‌روی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۰). علی‌رغم کم‌رنگ شدن فعالیت‌های اجتماعی روزمره، برخی از رویدادهای آیینی جمعی و مناسبتی چون برگزاری عزاداری‌ها، در بازار و تکایا قدیمی سمنان و دامغان در جریان بوده و یادآور نقش پیشین آنها به‌عنوان یک تولید اجتماعی در شهر هستند. آیین‌های

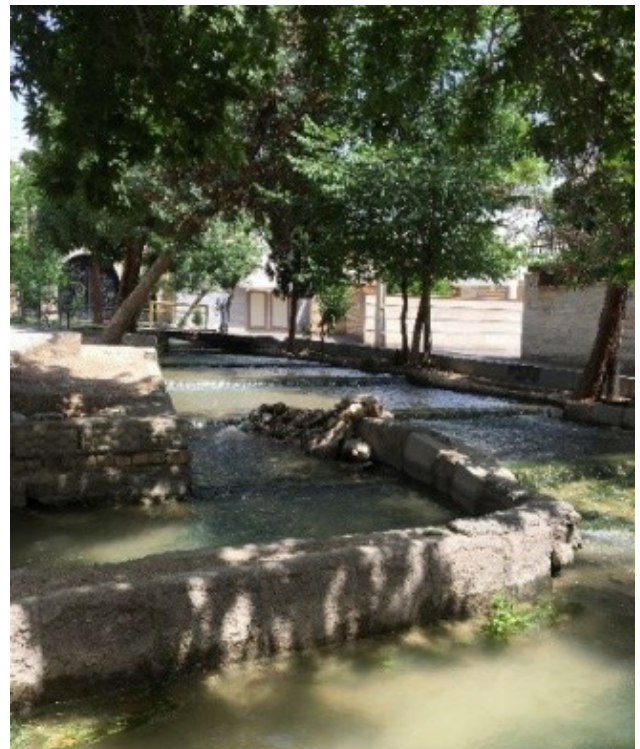
از تجربه ملموس آب جاری در جوی‌ها در کوچه‌های اطراف فاصله دارد (تصاویر ۶ و ۷). در نتیجه عدم توجه کافی به نقش کارکردی-معنایی آب و فراهم نیامدن زمینه حضور مردم، ظرفیت و استعداد بالقوه استخر باغ‌فیض برای شکل‌گیری منظر مردمی تا حد زیادی از دست رفته است.

اثرگذاری معنا بر تداوم منظر مردمی

چشمه‌علی دامغان یک منظر مردمی موفق با محوریت نقش ارزشمند عناصر طبیعی است که به‌عنوان سرچشمه تنها رود دائمی شهر دامغان، در فاصله ۳۰ کیلومتری شهر واقع شده



تصویر ۶. وجود نرده‌های فلزی بازدارنده و محدودماندن اقدامات به زیباسازی و محوطه‌سازی در استخر باغ‌فیض سمنان. عکس: نعیمه حشمتی، ۱۴۰۱.



تصویر ۷. تجربه ملموس آب و کیفیت فضایی مطلوب‌تر در گذرهای مجاور استخر باغ‌فیض. عکس: حمیده ابرقویی فرد، ۱۴۰۱.

کل نگر، یکپارچه و چندوجهی برای افزایش دل‌بستگی شهروندان به مکان و رعایت تعادل در محافظت و مداخله در منظر، به حفظ عملکرد مناظر مردمی و به‌روزرسانی مداوم نحوه تفسیر کاربران از منظر کمک خواهد کرد (جدول ۱).



تصویر ۸. حضور مردم در کنار سه‌گانه منظر ایرانی در چشمه‌علی دامغان. عکس: مهدی نصیریان، ۱۴۰۱.



تصویر ۹. منظر مردمی برگزاری آیین‌های مذهبی و عزاداری‌ها تکیه ناسار در بازار تاریخی سمنان. مأخذ: <https://www.mehrnews.com/news/2415637>



تصویر ۱۰. مراسم جامه‌کردن در تکیه حضرت ابوالفضل (ع) دامغان. مأخذ: <https://www.dana.ir/news/919037>

سنگ‌زنی و طوق جامه‌کردن در دامغان و سنت چادردوزی در سمنان از آیین‌های شناخته‌شده‌ای هستند که منظر مردمی خودجوش را در بافت تاریخی زنده نگه می‌دارند. برگزاری آیین‌ها در بازه‌های زمانی مشخص و خاطره برجامانده از آنها، منابع مهم هویت فردی و اشتراکی و مراکز عمیق تجربه انسانی را رقم می‌زند که حاصل همگرایی شناخت، تأثرات و رفتارهای مخاطبان در این اماکن هستند (تصاویر ۹ و ۱۰). باورها و آیین‌ها تأثیر مستقیمی بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، هویت محلی و چگونگی مناظر مردمی دارند. توجه به نیازها و خواسته‌های مردم، نه تنها در نقش مخاطبان، بلکه عاملان اصلی شکل‌گیری کنش‌های انسانی و اجتماعی ضرورت دارد و مردم به‌عنوان مباحثان اصلی، باید در محور تصمیم‌گیری‌های مرتبط با مناظر مردمی بافت تاریخی قرار گیرند. مفهوم مشارکت به‌عنوان اقدامی برای تحول رویکرد مدیرمحور به رویکرد مردم‌محور و اولویت‌بخشی به خواسته‌ها و ذهنیات مردم به‌عنوان یکی از ذی‌نفعان اصلی در این زمینه مورد توجه است (مجیدی، منصوری، صابر نژاد و براتی، ۱۳۹۸، ۱۴۰۰).

نتیجه‌گیری

احیاء منظر مردمی به‌عنوان موجودیتی سیال میان محیط و مردم و تداعی گر هویت شهر، با نو ساختن کالبد میسر نمی‌شود؛ منظر مردمی پدیده‌ای هم‌افزا از عملکرد، کالبد و معنا است که مانایی آن در گرو هماهنگی میان نیاز مردم، قابلیت‌های محیط و رویکرد مدیران است. باززنده‌سازی زندگی جمعی، همدلی و مشارکت، نقش یافتن مردم به‌عنوان افرادی سهیم در زندگی اجتماعی و مدنی را به همراه داشته و با تقویت ارزش‌ها و معانی اجتماعی، مالکیت نمادین جمعی را محقق می‌سازد. رویکرد یک‌جانبه و متمرکز بر بهسازی محیط و بدون ملاحظه ابعاد اجتماعی و فرهنگی، عدم ثبات ترکیب اجتماعی و کاهش تعهد و مشارکت مردمی را به همراه دارد. لزوم توجه به قابلیت‌های اختصاصی هر مکان و همگام‌ساختن آن با نیازهای جامعه معاصر، در نظرگیری زیرساخت‌ها و عوامل فرادستی پشتیبانی‌کننده حضور مردم و ارزش‌های معطوف به عملکردها و رویدادها و ساماندهی مناسب براساس اعتبار ذاتی و جوهره اصلی فضا، جوهی از اهمیت نقش مردم در شکل‌گیری و مانایی مناظر مردمی را به نمایش می‌گذارد. در نظرگیری این پیش‌شرط‌ها، تحقق منظر مردمی به‌عنوان دارایی جمعی با مالکیت گسترده را به همراه دارد که حفاظت فعال و مدیریت جمعی از طریق بازسازی رابطه با مکان‌ها، حمایت از احساس دل‌بستگی و تحریک میل به مراقبت از مکان، تأثیر مثبتی بر تداوم آن می‌گذارد. تصمیم‌گیری درباره منظر مردمی بیش از هر چیز تصمیم‌گیری درباره تجربه یک محیط است که با گذر زمان به‌طور مداوم توسط سوژه انسانی به‌روز می‌شود. در چنین رویکردی مداخله افراطی بیشینه و کمینه در منظر به شکل رهاسازی و یا محافظت مطلق مردود است. طرح‌ریزی فرایندی

past environments (Vol. 9). Cambridge: Cambridge University Press.

- Cosgrove, D. E. (1992). *Water, Engineering and Land-Scape: Water Control and Landscape in the Modern Period*. New Delhi: CBS Publishers.
- Cosgrove, D. E. (2006). Modernity, community and the landscape idea. *Journal of Material Culture*, 11(1-2), 49-66.
- Cosgrove, D. (2010). Social Formation and Symbolic Landscape. In R. DeLue & J. Elkins (Eds.). *Landscape theory* (Vol. 6). London: Routledge.
- Delue, R. (2015). Is landscape theory? In G. Doherty, & C. Waldheim. (Eds.). *Is landscape...?: Essays on the identity of landscape*. London: Routledge.
- Harris, D. (2010). Self and Landscape. In R. DeLue, & J. Elkins (Eds.). *Landscape theory* (Vol. 6). London: Routledge.
- Hunziker, M., Felber, P., Gehring, K., Buchecker, M., Bauer, N. & Kienast, F. (2008). Evaluation of Landscape Change by Different Social Groups. *Mountain Research and Development*, 28(2), 140-147.
- Lewis, P. (1979). Axioms for Reading the Landscape. In D. W. Meinig (Ed.). *The Interpretation of Ordinary Landscapes* (pp. 11-32). New York: Oxford University Press.
- Lindström, K., Palang, H. & Kull, K. (2013). Semiotics of landscape. In P. Howard, I. Thompson, E. Waterton & M. Atha (Eds.). *The Routledge companion to landscape studies*. London: Routledge.
- Malpas, J. (Ed.). (2011). *The Place of Landscape: Concepts, Contexts, Studies*. Cambridge: MIT Press.
- Olwig, K. (2003). Landscape: The Lowenthal legacy. *Annals of the Association of American Geographers*, 93(4), 871-877.
- Relph, E. (1976). *Place and Placelessness*. London: Pion.
- Scannell, L. & Gifford, R. (2010). Defining place attachment: A tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology*, 30(1), 1-10.
- Schatzki, T. R. (2011). Landscapes as Temporalspatial Phenomena. In J. Malpas (Ed.). *The Place of Landscape: Concepts, Contexts, Studies*. Cambridge: The MIT Press.
- Schein, R. H. (1997). The place of landscape: A conceptual framework for interpreting an American scene. *Annals of the Association of American Geographers*, 87(4), 660-680.
- Swaffield, S. R. (2006). Theory and critique in landscape architecture: Making connections. *Journal of Landscape Architecture*, 1(1), 22-29.
- Tilley, C. (2006). Introduction: Identity, place, landscape and heritage. *Journal of Material Culture*, 11(1-2), 7-32.
- Tuan, Y. F. (1977). *Space and place: The perspective of experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.

و نقش عوامل اکولوژیک در برنامه‌ریزی و ساخت روستای کامو. منظر، ۱۲(۵۳)، ۲۵-۱۸.

- غضنفری، سیده پروانه و کریمی، میترا. (۱۳۹۵). چشمه‌علی دامغان و علل تقدس آن. *باغ نظر*، ۱۳(۴۲)، ۵۷-۶۶.
- فلامکی، محمدمنصور. (۱۳۶۸). شهر ایرانی در تجربه جهانی. تهران: نشر فضا.
- کرزن، جورج. (۱۳۴۹). *ایران و قضیه ایران* (ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مخلص، فرنوش؛ فرزین، احمدعلی و جوادی، شهره. (۱۳۹۱). مزار پیرمراد، منظر فرهنگی-آیینی شهرستان بانه. *باغ نظر*، ۱۰(۲۴)، ۲۷-۳۸.
- مجیدی، مریم؛ منصوری، سید امیر؛ صابرنژاد، ژاله و براتی، ناصر. (۱۳۹۸). نقش رویکرد منظرین در ارتقای رضایتمندی از محیط شهری. *باغ نظر*، ۱۶(۷۶)، ۴۵-۵۶.
- مجیدی، مریم؛ منصوری، سید امیر؛ صابرنژاد، ژاله و براتی، ناصر. (۱۴۰۰). ظرفیت‌های منظر در تحقق مفهوم مشارکت در طرح‌های شهری. منظر، ۱۳(۵۴)، ۲۷-۱۸.
- محقق، مسعود. (۱۴۰۰). «نظام سنتی تقسیم آب» سمنان در انتظار جهانی شدن. تاریخ دسترسی: ۱۴۰۱/۰۴/۰۲. قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/pho-to/1400071912982>
- منصوری، سید امیر. (۱۳۸۹). منظر شهری: کنترل امر کیفی با مؤلفه‌های کمی. منظر، ۱۲(۱۱)، ۶-۷.
- منصوری، سید امیر. (۱۳۹۷). منظر مردمی شهر. منظر، ۱۰(۴۴)، ۳-۳.
- منصوری، مریم‌السادات. (۱۳۹۵). جایگاه طبیعت در اقدامات زیباسازی شهر تهران در چارچوب نظریه «اعتبارگیری». منظر، ۸(۳۵)، ۶۶-۷۳.
- موسوی، احمد. (۱۳۶۸). تاریخ شهر دامغان، بناها و شهر دامغان (ویراستار ابراهیم جعفرپور). تهران: نشر فضا.
- میرشکرایی، محمد. (۱۳۸۲). انسان و آب در ایران. کتاب ماه هنر، ۵۷(۵۸)، ۳.
- ال‌هاشمی، ایدا. (۱۳۹۹). پیوند زیرساخت‌های آبی سنتی و نظام محله‌ای در شهرهای ایران؛ ساختار شهری و زیرساخت آبی در شهر سمنان. هنر و تمدن شرق، ۸(۲۷)، ۵-۱۴.
- همتی، مرتضی؛ منصوری، سید امیر و براتی، ناصر. (۱۴۰۱). رسانه، روشی برای تغییر منظر شهری تبیین مدل مفهومی اثرگذاری بر منظر شهری بدون مداخله فیزیکی. منظر، ۱۴(۵۸)، ۶۶-۷۷.
- Antrop, M. (2005). Why landscapes of the past are important for the future. *Landscape and Urban Planning*, 70(1-2), 21-34.
- Berque, A. (2013). *Thinking through Landscape* (A. M. Feenberg-Dibon Trans.). London: Routledge.
- Cosgrove, D. E. (1984). *Social formation and symbolic landscape*. London; Sydney: Croom Helm.
- Cosgrove, D., & Daniels, S. (Eds.). (1988). *The iconography of landscape: essays on the symbolic representation, design and use of*

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Tourism of Culture journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

ابرقویی فرد، حمیده؛ صدقی کهنه شهری، پدram؛ نصیریان، مهدی؛ امینی، بهاره؛ احمدی، مارال و اکبریور بازرگانی، سجاد. (۱۴۰۱). دوراهی حفاظت یا تغییر؟ در جستجوی راهکاری برای مانایی منظر مردمی در بافت تاریخی شهرهای سمنان و دامغان. *گردشگری فرهنگ*، ۳(۹)، ۱۷-۲۶.



DOI: 10.22034/TOC.2022.350596.1086

URL: http://www.toc-sj.com/article_154057.html